پنجشنبه ۸ شهریور ۱۴۰۳
شماره ۴۲۱۹
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

سیاست نامزد دموکرات‌ها در غرب آسیا چگونه است؟

همان همیشگی

حانیه قاسمیان
خبرنگار گروه جهان‌شهر

اظهارات کامالا هریس، معاون رئیس‌جمهور و نامزد دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری در حمایت «مستحکم» از رژیم صهیونیستی در مقایسه با همدردی مزورانه‌اش با رنج فلسطینیان، بسیار پررنگ به نظر می‌رسد. دموکرات‌ها با فشار به جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا برای استعفا از نامزدی در انتخابات تلاش کردند اوضاع خود را بهبود بخشند.

روکردن بلیت جدیدی به نام کامالا هریس از سوی دموکرات‌ها پرسش‌هایی را درباره مواضع و سیاست‌های او در قبال خاورمیانه در میانه نسل‌کشی و پاکسازی قومیتی در غزه، برانگیخته است. گرچه دموکرات‌ها برای جلب رای مسلمانان و حامیان فلسطین تلاش می‌کنند بگویند مواضع هریس در قبال خاورمیانه با بایدن متفاوت است اما شواهد مبتنی بر سیاست واقعی، ساختار سیاست در آمریکا و بررسی مسیر و جایگاه لابی‌های صهیونیستی در سیاست این کشور موید آن است که در تنور هریس، نانی برای مردم غزه گرم نمی‌شود.

کنوانسیون دموکرات‌ها جنگ‌طلبی هریس را لو می‌دهد

کامالا هریس هر امیدی را برای پایان دادن به نسل‌کشی غزه را از بین برد. نامزد دموکرات خود را آماده کرده است تا حمایت بی‌قید و شرط جو بایدن از جنگ نابودگرانه رژیم صهیونیستی علیه فلسطینی‌ها را ادامه دهد. چپ حامی فلسطین که امید داشت با رای به هریس بتواند حمایت تسلیحاتی آمریکا به رژیم صهیونیستی را محدود کند با سخنرانی هریس در کنوانسیون ملی دموکرات‌ها در روز پنجشنبه گذشته امیدهای خود را کاملا بر باد رفته دید.

در مقابل جمعیتی پرشور که شعار «USA, USA, USA» می‌دادند، هریس همان عبارات تکراری سیاستمداران غربی را مو به مو تکرار کرد: «من همیشه از حق رژیم صهیونیستی برای دفاع از خود حمایت خواهم کرد و همیشه اطمینان خواهم داد که رژیم صهیونیستی توانایی دفاع از خود را داشته باشد.» او همچنین دروغ‌ها درباره تجاوز جنسی به شهرک‌نشینان صهیونیست در ۷ اکتبر را که کذب بودن‌شان اثبات شده است را تکرار کرد.

در همین حال، فلسطینیان در زندان‌های صهیونیستی مورد تجاوز قرار می‌گیرند و سیاستمداران صهیونیستی آشکارا می‌گویند که این کار توجیه‌پذیر است. هریس، مانند اکثر رهبران آمریکایی، هیچ حرفی در این باره نزد. هیچ اشاره‌ای به فهرست گسترده جنایات جنگی رژیم صهیونیستی وجود نداشت؛ حتی انتقادی از بنیامین نتانیاهو، جنایتکار جنگی ارشد، که به‌هرحال خواهان بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید است. هر کاندیدای حامی جنگی که در نوامبر پیروز شود، رهبر رژیم صهیونیستی برنده خواهد شد. کنوانسیون دموکرات‌ها در شیکاگو صحنه بسیاری از اعتراضات حامی فلسطین بود؛ با شرکت‌کنندگانی که می‌گفتند نمی‌توانند تا زمانی که دولت بایدن-هریس به ارسال سلاح‌ها برای نسل‌کشی رژیم صهیونیستی ادامه می‌دهد، به هریس رأی دهند.

هریس همچنانکه داشت خود را نماینده طبقه متوسط آمریکایی معرفی می‌کرد، به تهدید ایران، روسیه و چین پرداخت و گفت: «به‌عنوان فرمانده کل قوا، من اطمینان خواهم داد که آمریکا همیشه قوی‌ترین و مرگبارترین نیروی جنگی جهان را داشته باشد.» او با لحنی هیجانی ادامه داد: «من هرگز تردیدی در اتخاذ هر اقدامی که برای دفاع از نیروها و منافع ما در برابر ایران و گروه‌های پشتیبانی‌شده توسط ایران لازم باشد، نخواهم داشت.» این تهدید پشت سر انبوهی از نیروهای آمریکایی است که به مدیترانه اعزام شده‌اند تا برای واکنش ایران و حزب‌الله به ترورهای اخیر رژیم صهیونیستی در بیروت و تهران آماده شوند. هریس درباره فلسطین چیز زیادی برای گفتن نداشت، به جز همان کلمات گرم معمول که فلسطینیان مدت‌ها پیش این وعده‌های دروغین مقامات غربی را در سطل زباله ریخته‌اند. هریس ادعا کرد او و بایدن در تلاش بودند تا «رژیم صهیونیستی امن باشد، گروگان‌ها آزاد شوند، رنج در غزه پایان یابد و مردم فلسطین بتوانند حق خود را برای کرامت، امنیت، آزادی و تعیین سرنوشت تحقق بخشند.»

برای آمریکا و سیاستمدارانش همیشه اصل با امنیت رژیم صهیونیستی و ساکنانش است. استفاده از کلمه «آزادی» در رابطه با فلسطین ممکن است در شرایط سیاسی ایالات متحده، با توجه به چشم مراقب لابی رژیم صهیونیستی، جسورانه باشد. اما اطلاق این کلمه برای فلسطین چیزی جز لفاظی‌های مزورانه برای خریدن رای از مسلمانان و حامیان فلسطین نیست. یک قاعده آهنین سیاست ایالات متحده این است که اولین بند در چنین جملاتی همیشه «رژیم صهیونیستی امن باشد» خواهد بود، که برای فلسطینیان تنها به معنی یک چیز است؛ اشغال بیشتر، پاک‌سازی قومی و جنگ بی‌پایان.

هریس تا جایی که ممکن بود روشن کرده است که اگر پیروز شود، ریاست‌جمهوری او ادامه دولت بایدن خواهد بود؛ «جنگ، جنگ و جنگ.»

حمایت قوی از رژیم صهیونیستی با لحنی ملایم‌تر در قبال غزه

هریس قبلا نشان داده است با آنکه طبق قاعده سیاست خارجی آمریکا که در آن حمایت از اسرائیل یک اولویت است، اگر رئیس‌جمهور شود، در درگیری رژیم صهیونیستی و فلسطین لحنی متفاوت با جو بایدن که خود را یک صهیونیست اعلام کرده خواهد داشت. از ابتدای جنگ رژیم صهیونیستی علیه غزه، بایدن آمار کشته‌شدگان فلسطینی را غیرواقعی خوانده، گزارش‌های تاییدنشده مبنی بر سربریدن نوزادان در رژیم صهیونیستی توسط مبارزان حماس را مطرح کرده و چندین اظهارنظر دیگر که به‌طور غیرانتقادی روایت دولتی رژیم صهیونیستی را می‌پذیرد، بیان کرده است.

هریس، معاون بایدن تا حد زیادی به رویکرد بایدن نسبت به رژیم صهیونیستی نزدیک بوده است. اما در ماه مارس، او در سخنرانی‌ای که انجام داد، از اختلال در جریان کمک‌های بشردوستانه به غزه توسط رژیم صهیونیستی انتقاد کرد. هریس گفت: «با توجه به مقیاس عظیم رنج در غزه، باید بلافاصله آتش‌بس اعلام شود.» او برای یک لحظه کوتاه مکث کرد تا تشویق‌های شدید مجالی بیابند و سپس با تعدیل انتظارات افزود: «حداقل برای شش هفته آینده.» بخش بزرگی از حزب دموکرات در اعتراضات طرفدار فلسطین در ایالات متحده شرکت کرده و خواستار آتش‌بس دائمی در غزه شده‌اند. مشخص نیست که هدف از مکث در جمله‌اش چه بوده، اما نشان می‌دهد که هریس از موضع رأی‌دهندگان نسبت به جنگ غزه آگاه است. با این حال به نظر می‌رسد که لحن تقریبا ملایم هریس در قبال نسل‌کشی در غزه، امری صوری باشد تا یک رویکرد واقعی؛ چراکه سیاست واقعی در ایالات متحده آن چیزی است که اجرا می‌شود و نه چیزی که بیان می‌شود.

به گزارش وال‌استریت‌ژورنال در نوامبر سال میلادی گذشته، هریس «همدلی بیشتری» در مقایسه با بایدن دارد؛ زیرا رئیس‌جمهور کنونی آمریکا به‌طور کلی نسل‌کشی و پاک‌سازی قومی در غزه را نادیده می‌انگارد. اما لحن گفتاری به معنای تغییر سیاست نیست و با وجود احساسات گسترده طرفدار فلسطین در میان رأی‌دهندگان حزب دموکرات، هریس هیچ‌گونه اظهارنظر عمومی که نشان دهد تحت تاثیر آن احساسات قرار گرفته باشد، نداشته است. هریس می‌داند که حیات سیاسی‌اش در آمریکا وابسته به حمایت از اسرائیل است. برای همین در ضمن اینکه گاهی همدلی مختصری نسبت به غزه نشان می‌دهد اما همچنان قویا از اسرائیل حمایت می‌کند.

باید در نظر داشت که همسر هریس نیز یک یهودی حامی رژیم صهیونیستی است که حمایت‌های مدام او از رژیم، برآیند حمایت هریس از رژیم صهیونیستی را افزایش می‌دهد. در ۲۴ ژوئیه، هنگامی که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در کنگره آمریکا صحبت می‌کرد، داگ امهوف، همسر هریس، در یک تماس تصویری که توسط شورای دموکراتیک یهودیان آمریکا (JDCA) و زنان یهودی برای کامالا برگزار شد، صحبت کرد. امهوف گفت: «اجازه دهید این را روشن کنم؛ معاون رئیس‌جمهور همیشه حامی قوی رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک دولت یهودی و دموکراتیک بوده است و او همیشه اطمینان خواهد داد که رژیم صهیونیستی می‌تواند از خود دفاع کند.»

اگرچه هریس با لحن کمی سخت‌تر در قبال رژیم صهیونیستی و انتقاد از تلفات در غزه میان خود و بایدن تفاوت ایجاد کرده و حتی در ۲۴ جولای در سخنرانی نتانیاهو در کنگره شرکت نکرد، این انتخاب‌ها به معنی انحراف از سیاست‌های اصلی دموکرات‌ها نیست. به هر حال، با وجود خودداری از شرکت در سخنرانی نتانیاهو در کنگره، هریس روز بعد جلسه‌ای یک به یک با نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی داشت و حمایت مداوم خود از رژیم صهیونیستی را اعلام کرد. در یک گردهمایی انتخاباتی این هفته، هریس در مواجهه با اعتراضاتی به جنگ در غزه، از این موضوع منحرف شد و گفت: «اگر می‌خواهید دونالد ترامپ پیروز شود، این را بگویید. در غیر این صورت من در حال صحبت هستم.» پاسخ او نشان می‌دهد که او نمی‌خواهد جنگ غزه یکی از مسائل اصلی کمپین باشد.

آویزان به لابی رژیم صهیونیستی

دیدگاه هریس نسبت به رژیم صهیونیستی همچنین به داستان بزرگ‌تری از اهداکنندگان بزرگ و گروه‌های ذی‌نفع خاص در سیاست انتخاباتی آمریکا مرتبط است.

او به‌عنوان نامزد دموکرات‌ها برای ریاست‌جمهوری توسط جی استریت، گروه لابی‌گری صهیونیستی لیبرال که با کمیته امور عمومی رژیم صهیونیستی آمریکا (AIPAC)، بزرگ‌ترین گروه لابی‌گری طرفدار رژیم صهیونیستی در آمریکا مخالفت می‌کند، تایید شده است.

در عین حال، او روابط خود را با ایپک حفظ کرده و در سال ۲۰۱۹ با رهبران ایپک ملاقات کرده است؛ در زمانی که نامزدهای اصلی دموکرات در انتخابات مقدماتی ترجیح دادند از این گروه طرفدار رژیم صهیونیستی فاصله بگیرند. همچنین، هریس از جانب گروه اکثریت دموکرات برای رژیم صهیونیستی (DMFI)، دیگر گروه لابی‌گری بزرگ طرفدار رژیم صهیونیستی حمایت شده است. این روابط با ایپک و DMFI در حالی شکل می‌گیرد که این دو گروه لابی‌گری توسط ترقی‌خواهان به «تسریع تغییر به سمت راست» در رژیم صهیونیستی متهم شده‌اند.

هریس در دوره سناتوری خود، حمایت‌های گسترده‌ای را از لابی‌های صهیونیستی در مجلس سنا در کارنامه دارد. به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۱۷ در اولین رای‌گیری سیاست خارجی خود به‌عنوان سناتور آمریکا، او به انتقاد از امتناع باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق آمریکا از وتوی قطعنامه سازمان ملل که شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیستی در کرانه باختری اشغالی را محکوم می‌کرد، رأی داد. در سال ۲۰۱۷، او یک هفته قبل از اینکه ۱۰ سناتور دموکرات نامه درخواست توقف تخریب یک روستای فلسطینی در کرانه باختری به رهبر رژیم صهیونیستی را ارسال کنند، با نتانیاهو ملاقات کرد.

نشانه‌های واضح در تایید حمایت همه جانبه هریس از لابی اسرائیلی، حکایت از این دارد که او به وضعیت موجود در رژیم صهیونیستی از جمله حفظ کمک‌های نظامی، ادامه خواهد داد.

همراه با سعودی و ضد ایران

درحالی‌که سوالاتی درباره اینکه هریس چه رویکردی نسبت به رابطه آمریکا و رژیم صهیونیستی و برخورد با وضعیت فلسطینیان خواهد داشت، مطرح است اطلاعات کمتری درباره رویکرد او نسبت به دیگر مسائل غرب آسیا وجود دارد. وقتی بیشتر دموکرات‌ها در پی قتل جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار سعودی ساکن آمریکا انتقادات زیادی نسبت به عربستان داشتند، هریس نیز خواستار پاسخگویی دولت ترامپ شد. او همچنین در طول سناتوری خود غالبا به قطعنامه‌هایی برای توقف حمایت آمریکا و دولت ترامپ از سعودی در جنگ یمن، رای مثبت می‌داد. با این حال از زمانی که دولت بایدن به قدرت رسیده لحن دموکرات‌ها در مورد عربستان سعودی تغییر کرده زیرا بایدن سعی کرده یک توافق عادی‌سازی بین ریاض و رژیم صهیونیستی را تضمین کند. به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور در دوران تلاش‌های بایدن برای برقراری عادی‌سازی روابط بین تل‌آویو و ریاض تا حدی در واکنش به نفوذ رو به رشد چین و روسیه در منطقه، موضع او تغییر کرد. اهداف ریاست‌جمهوری او احتمالا شامل تقویت روابط امنیتی آمریکا و عربستان سعودی و همکاری با این کشور در زمینه فناوری و خرید نفت خواهد بود. هریس از توافق هسته‌ای ایران حمایت کرده و از خروج ترامپ انتقاد کرده است، اما مشخص نیست که رویکرد او به این مساله چه خواهد بود. این اظهارات نشان می‌دهد که هریس یا هنوز در حال تدوین مسیر خود در سیاست خارجی است، یا اینکه به مسیر بایدن و دستورالعمل‌های از پیش تعیین‌شده حزب دموکرات در مورد برخورد با رژیم صهیونیستی ادامه خواهد داد. در زمینه تشدید تنش‌ها بین ایران و رژیم صهیونیستی پس از ترورهای اخیر رهبران ارشد حزب‌الله و حماس توسط رژیم صهیونیستی، سیاست هریس در قبال ایران احتمالا خلع سلاح ایران از طریق توافق خواهد بود. در جریان کمپین انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰، هریس اعلام کرد که ایالات متحده نیاز به بازنگری در توافق هسته‌ای ایران، معروف به برنامه جامع اقدام مشترک برجام دارد. با توجه به تلاش‌های متظاهرانه و غیرواقعی بایدن برای احیای این توافق پس از خروج جنجالی دولت ترامپ در سال ۲۰۱۸ و ترور ژنرال قاسم سلیمانی در سال ۲۰۲۰ - که هریس هر دوی آنها را «بی‌پروا» دانسته است - چشم‌انداز او برای تامین توافق هسته‌ای جدید با ایران کاهش یافته است.

هریس عملا همان بایدن است

موضع هریس در مورد غزه و سایر مسائل خاورمیانه در لحن متفاوت است اما از نظر محتوا کاملا با سیاست‌های بایدن همسو است. سال ۲۰۲۴ یکی از پرتلاطم‌ترین سال‌ها برای آمریکا بوده است. در دو ماه گذشته شاهد عملکرد ضعیف رئیس‌جمهور جو بایدن در مناظره‌ها و سپس کناره‌گیری او از نامزدی، تلاش برای ترور رئیس‌جمهور سابق و نامزد کنونی جمهوریخواهان، دونالد ترامپ، و ارتقای معاون رئیس‌جمهور کامالا هریس به نامزدی دموکرات‌ها بودیم. اکنون کمپین هریس سه ماه فرصت دارد تا دیدگاه خود را به مردم آمریکا معرفی کند. درحالی‌که فشارهای اقتصادی داخلی احتمالا تمرکز اصلی رای‌دهندگان آمریکایی در انتخابات خواهد بود، مساله‌ای که چگونه چهل‌وهفتمین رئیس‌جمهور آمریکا سیاست خارجی را دیکته خواهد کرد نیز اهمیت دارد؛ هم برای آمریکایی‌ها و هم برای سایر مردم جهان که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تاثیر سیاست‌های دولت جدید قرار خواهند گرفت. دولت آینده در صحنه جهانی با چالش‌های متعددی مواجه خواهد بود، از جمله جنگ‌های جاری در اوکراین و غزه و رقابت فزاینده ایالات متحده و چین. با نگاه به خاورمیانه، انتخاب تیم والز به‌عنوان شریک انتخاباتی هریس قطعه گمشده‌ای را در پازل او پیدا می‌کند و اطلاعات بیشتری درمورد اینکه دولت او برای منطقه چه معنایی خواهد داشت، ارائه می‌دهد. سوابق کم در سیاست خارجی باعث می‌شود که تعیین مواضع دقیق هریس و والز درمورد مسائل بحرانی مختلف دشوار باشد. با این حال، سرنخ‌های کافی برای ترسیم تصویری از سیاست آینده خاورمیانه آنها وجود دارد که با وجود برخی تفاوت‌ها به نظر می‌رسد که از سیاست بایدن پیروی خواهد کرد.

معاون رئیس‌جمهور والتز وارد می‌شود

اعلام هریس مبنی بر انتخاب تیم والتز فرماندار مینه‌سوتا به‌عنوان شریک انتخاباتی خود، که به‌طور عمده به‌عنوان نقشی نمادین محسوب می‌شود، تنها تقویت‌کننده این تصور است که او قصد دارد سیاست خاورمیانه‌ای مبتنی بر مواضع اصلی دموکرات‌ها را دنبال کند. در دوران نمایندگی‌اش در کنگره، والتز به‌طور مداوم خود را با مواضع اصلی دموکرات‌ها در قبال خاورمیانه از جمله حمایت از برجام، خروج آمریکا از عراق و کمک‌های آمریکا به رژیم صهیونیستی همسو کرده است. او اما با حملات هوایی رئیس‌جمهور باراک اوباما در سوریه مخالفت کرد و مانند شریک انتخاباتی‌اش از حمایت آمریکا از عملیات‌های سعودی در یمن خودداری کرد. از ماه مارس والتز برای آتش‌بس در غزه تبلیغ کرده و از راه‌حل غیرواقعی دو کشور حمایت کرده است. والتز اما همچنان مانند دیگر سیاستمداران آمریکایی بر حمایت از رژیم صهیونیستی اصرار دارد. او مزورانه میان مردم غزه و حماس تمایز می‌گذارد بدون آنکه نظرش را درباره حق مردم غزه در دفاع از خود اعلام کند. اما والتز به احتمال زیاد از رهبری هریس در پیگیری سیاست خاورمیانه‌ای پیروی خواهد کرد.

خودشیرینی برای لابی اسرائیل

همان‌طور که کمپین هریس و والتز به شدت پیش می‌رود هریس باید به دقت در حزب دموکرات که در حال حاضر بر سر جنگ غزه دونیم شده است، حرکت کند؛ از جناح چپ پیشرو که علیه موضع قاطع بایدن درمورد رژیم صهیونیستی «شورش» کرده‌اند، تا جریان اصلی حزب که در موضع خود به‌راحتی طرفدار رژیم صهیونیستی است و هیچ حمایتی از مردم غزه را روا نمی‌دارد. او همچنین به قدرت سازمان‌های لابی‌گری طرفدار رژیم صهیونیستی آگاه است؛ به‌ویژه AIPAC که ۱۵ میلیون دلار بی‌سابقه را برای شکست نماینده نیویورکسیتی، جمال بومن، در انتخابات مقدماتی‌اش به کار گرفته است. کوری بوش، نماینده میزوری که بارها خواستار آتش‌بس در غزه شده است نیز این هفته در انتخابات مقدماتی خود شکست خورد. رقیب او توسط پروژه متحد دموکراسی (United Democracy Project)، که بال سیاسی AIPAC است حمایت شده بود.

با توجه به این دینامیک‌ها در حزب دموکرات تفاوت در لحن بین دولت بایدن و احتمالا دولت هریس درمورد بحران انسانی در غزه به این معنا نیست که سیاست آمریکا نسبت به این درگیری تغییر خواهد کرد. علی‌رغم سخنرانی پرشورتر او هیچ مدرکی مبنی بر اینکه محتوای سیاست خارجی هریس متفاوت از موضع تعیین‌شده ایالات متحده باشد، وجود ندارد. در حال حاضر ترامپ خطوط حمله علیه هریس را به کار می‌گیرد و استدلال می‌کند که او به اندازه کافی طرفدار رژیم صهیونیستی نیست. بنابراین به‌عنوان یک نامزد و به‌عنوان رئیس‌جمهور احتمالی بعید است که هریس از سیاست اعلام‌شده بایدن که شامل لحن سخت‌تر نسبت به نتانیاهو اما حمایت مستمر از رژیم صهیونیستی است دور شود. انتخاب بلیت هریس نمایانگر مجموعه‌ای از «نخستین‌ها» برای دفتر ریاست‌جمهوری ایالات متحده خواهد بود؛ نخستین رئیس‌جمهور زن، نخستین رئیس‌جمهور آسیای جنوبی و نخستین همسر یهودی رئیس‌جمهور آمریکایی. در میان این مجموعه از دستاوردها، به چه میزانی ریاست‌جمهوری هریس آغازگر فصلی جدید برای سیاست ایالات متحده در خاورمیانه باشد - هرچند بعید - باقی خواهد ماند.

محور مقاومت درصدد حمله به منافع آمریکا در سرزمین‌های اشغالی است

گل زده در خانه حریف ۲ تاست

حمله پهپادی تیرماه یمن به مواضع آمریکا در خاک فلسطین اشغالی و تلاش حزب‌الله لبنان در یکشنبه هفته جاری برای آسیب به مقر یگانی در تل‌آویو که در آن مستشاران آمریکایی فعالیت می‌کنند، از دور جدید تنش‌ها علیه واشنگتن حکایت دارند. اگر در یک تقسیم‌بندی، با شروع جنگ طوفان الاقصی صهیونیست‌ها در داخل سرزمین‌های اشغالی و آمریکایی‌ها در عراق و آب‌های منطقه مورد حمله قرار می‌گرفتند، امروز نقطه تمرکز ضدیت با واشنگتن، هدف‌گیری منافع آن در فلسطین اشغالی است. به نظر می‌رسد پاسخ‌های آتی محور مقاومت نیز بر همین راستا صورت گیرد. پس از ترورهای جنایتکارانه رژیم علیه رهبران محور مقاومت در بیروت و تهران و همچنین حمله به یمن، این کشورها از انتقام حتمی خود خبر دادند. تاکنون تنها حزب‌الله لبنان به گفته خود تنها یک مرحله از عملیات انتقامی خود را اجرا کرده و پاسخ‌های ایران و یمن نیز در راهند. با توجه به قدرت آتش بالای این دو و پیوستن احتمالی حزب‌الله به پاسخ‌های آتی، احتمال می‌رود مواضع آمریکا در فلسطین اشغالی دچار آسیب شدیدی شوند.

نسبت حمله یمن و تهاجم انتقامی حزب‌الله با آمریکا

بامداد روز ۲۹ تیر (۱۹ جولای) یک پهپاد ارتش یمن موفق شد در چند صد متری ساختمان سفارت آمریکا در تل‌آویو، یک هدف را مورد اصابت قرار دهد. تا پیش از این، حملات علیه تل‌آویو تنها توسط گروه‌های مقاومت غزه در قالب زدوخوردها یا در معادله مسجدالاقصی صورت گرفته بود. با وجود مشتعل شدن جبهه‌های خارجی علیه رژیم، حمله به تل‌آویو ۱۰ ماه پس از آغاز کشتار فلسطینی‌ها از سوی این جبهه صورت گرفت. حمله ۲۹ تیر یک زنگ خطر بزرگ برای رژیم بود. درنتیجه صهیونیست‌ها دست به بمباران مخازن ذخیره سوخت نیروگاه برق بندر الحدیده و تجهیزات تخلیه بار از کشتی‌ها زده و در ادامه فواد شکر، فرمانده نظامی حزب‌الله را در مجموعه امنیتی این گروه موسوم به «حاره حریک» در ضاحیه بیروت ترور کردند. به‌طور تقریبا همزمان، مواضع حشدالشعبی توسط آمریکا در حومه بغداد بمباران شد و درنهایت اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس یک روز پس از برگزاری مراسم تحلیف رئیس‌جمهور ایران در تهران ترور شد.

بمباران بندر الحدیده، تنها بندر تجاری یمن و مجرای تنفس دولت مرکزی مستقر در صنعا و انجام حملات در پایتخت‌های لبنان، عراق و ایران نشان‌دهنده خشم رژیم از حمله به تل‌آویو بود. با این حال، حمله یمنی‌ها به تل‌آویو، تنها به جهت آغاز حملات به این شهر اهمیت نداشت بلکه برای نخستین بار آمریکا را نیز به دایره هدف‌گیری‌ها در سرزمین اشغالی اضافه کرد. پهپاد بزرگی که یمنی‌ها در ۲۹ تیرماه استفاده کردند، در چند صد متری سفارت آمریکا فرود آمد تا هشداری به واشنگتن بدهد اما به نظر می‌رسد آپارتمانی که مورد هدف قرار گرفت نیز مورد استفاده عوامل آمریکایی بوده است. به همین دلیل بود که آمریکایی‌ها در ترور بیروت و تهران کمک بی‌شائبه‌ای به صهیونیست‌ها کرده و در بغداد، خود مستقیما مقر حشدالشعبی را بمباران کردند.

حمله انتقام‌جویانه حزب‌الله لبنان در روز ۴ شهریور که در پاسخ به ترور فواد شکر صورت گرفت، به دلیل هدف‌گیری یگان ۸۲۰۰ و برخی مواضع دیگر، به آمریکا نیز مرتبط می‌شد. برای فهم دقیق ماجرا باید یگان ۸۲۰۰ و جایگاه آن در رژیم را شناخت. تل‌آویو دستگاه‌های اطلاعاتی مختلفی دارد، ازجمله یک سرویس اطلاعاتی متصل به وزارت خارجه اما جامعه اطلاعاتی این کشور عملا از سه شاخه موساد، شاباک و آمان تشکیل شده است. موساد سرویس اطلاعات و عملیات خارجی است که وظیفه جاسوسی انسانی در خارج از سرزمین‌های اشغالی را برعهده دارد. شاباک نیز حوزه مسئولیتش امنیت در داخل سرزمین‌های اشغالی است و دست به اقدامات ضدجاسوسی می‌زند. آمان اما وضعیتی متفاوت دارد و تحت کنترل ستاد مشترک ارتش قرار دارد. بررسی این سازمان اطلاعاتی، تحلیل مسائل استراتژیک و فعالیت‌های نظامی دشمنان رژیم است.

یک یگان از آمان مسئولیت ارزیابی سیگنال‌ها و جمع‌آوری اطلاعات مبتنی بر شبکه‌های ارتباطی را برعهده دارد و واحد دیگری از آن، مسئول هدایت و بهره‌برداری از ماهواره‌های جاسوسی است. آمان با توجه به استفاده از تجهیزات گران‌قیمت و پیشرفته و همچنین اتصال به ارتش، همانند این نیرو به شدت وابسته به آمریکاست. از این رو علاوه بر دیدار هیات‌های مختلف آمریکایی و صهیونیستی با یکدیگر، تعدادی از افسران و سربازان آمریکایی نیز در یگان‌های ارتش و آمان برای کمک به رژیم مستقر می‌شوند. اقدام حزب‌الله در روز ۴ شهریور در حمله به یکی از مقرهای یگان ۸۲۰۰ که در آن افسران آمریکایی نیز فعالیت داشتند، وارد کردن واشنگتن در دایره هدف‌گیری‌های محور مقاومت است.

تفاوت حملات

از ابتدای جنگ طوفان الاقصی، وارد کردن مستقیم آمریکا در فرسایش ناشی از این جنگ در دستور کار محور مقاومت قرار گرفت. رژیم، عامل و وابسته واشنگتن است و آمریکایی‌ها حاضرند تا آخرین قطره خون یهودیان صهیونیست، با دشمنان خود بجنگند تا خونی از بینی سربازان آمریکا نیاید. از این رو بدون آنکه آسیبی مستقیم به آمریکا وارد شود، انصراف رژیم از جنگ در غزه محال بود. مقاومت عراق بر همین اساس از زمان آغاز جنگ طوفان الاقصی در مهرماه ۱۴۰۲ تا بهمن ماه، نزدیک به ۲۰۰ حمله علیه پایگاه‌های آمریکا در عراق و سوریه انجام داد. در روز ۸ بهمن (۲۸ ژانویه)، مقاومت عراق با پهپاد به پایگاه موسوم به برج-۲۲ در خاک اردن حمله کرد که در پی آن ۳ نظامی آمریکایی کشته شدند. در پیامد این حمله، واشنگتن دست به بمباران برخی از مواضع مقاومت در منطقه زد که طی آن چند نیروی مقاومت به شهادت رسیدند. پس از این اتفاق و هراس برخی طرف‌های منطقه‌ای مانند دولت عراق از گسترش جنگ، آتش‌بس نانوشته‌ای میان مقاومت عراق و آمریکا برقرار شد. در سوی دیگر ماجرا آمریکا به همراه انگلیس، در نخستین روزهای سال جدید میلادی، بمباران یمن را آغاز کردند. پاسخ یمنی‌ها حمله به ناوهای جنگی آمریکا بود که طی آن حتی ناو هواپیمابر آیزنهاور نیز شاهد هدف‌گیری توسط پرتابه‌های یمنی بود. در دور جدید درگیری‌ها محور مقاومت به جای هدف‌گیری مواضع آمریکا در عراق، سوریه یا آب‌های دریای سرخ، تصمیم به گسترش حملات علیه منافع واشنگتن در سرزمین‌های اشغالی گرفته است.